گفت‌وگو
مصطفی شاه‌کرمی

در گفت‌وگوی «جوان» با هوشنگ جاوید پژوهشگر عرصه موسیقی مطرح شد

کودکی که با رپ و راک بزرگ شده به موسیقی ایرانی اشتیاق ندارد

اگر وزارت ارشاد فکر می‌کند با این شیوه برگزاری جشنواره موسیقی نواحی چیزی عاید موسیقی نواحی کشور می‌شود یا آن را ارتقا می‌دهد مطمئن باشد این اتفاق هرگز نمی‌افتد

چهاردهمین دوره جشنواره موسیقی نواحی از امروز در استان کرمان برگزار می‌شود و بسیاری از دلسوزان و متخصصان این حوزه ضمن ناخرسندی از نحوه برگزاری آن نسبت به آینده این هنر بومی اعلام نگرانی می‌کنند. هوشنگ جاوید از چهره‌های شناخته‌شده حوزه موسیقی کشورمان ضمن وارد کردن برخی انتقادات به نحوه شکلی و محتوایی برگزاری این جشنواره راهکارهایی برای تقویت موسیقی نواحی کشور ارائه کرده است. این پژوهشگر موسیقی کشورمان در گفت‌وگو با «جوان» ضمن توصیه‌هایی به رسانه ملی و وزارت ارشاد به منظور اعتلای موسیقی نواحی کشور که در حکم ستون فقرات عرصه موسیقی ملی است طرحی برای تولید موسیقی و ترانه‌های محلی برای کودکان و نوجوانان ارائه کرد که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

■■■

چهاردهمین دوره موسیقی نواحی در حال برگزاری است. به نظر شما وضعیت موسیقی سنتی اقوام در کشور به عنوان یک میراث ملی چگونه است و آیا این جشنواره می‌تواند کمکی به حفظ و تقویت آن بکند؟

موسیقی نواحی الان در وضعیت اسفناکی است. امیدوارم در دولت سیزدهم و دوره وزارت آقای اسماعیلی اتفاقات مثبتی شکل بگیرد چون اگر قرار باشد اوضاع به همین شکل ادامه پیدا کند هیچ فایده‌ای عاید موسیقی نواحی نخواهد شد و حتی اوضاع از این هم که هست بدتر می‌شود.

منظورتان برگزاری جشنواره از نظر محتوایی است یا شکلی؟

هر دو! من در مورد خطراتی که موسیقی نواحی را تهدید می‌کند از چند سال پیش تذکر دادم. آن ابتدا که آقای محمدرضا درویشی این طرح را (راه‌اندازی جشنواره موسیقی نواحی) به وزارت ارشاد بردند و در آنجا اجرایش کردند. این کار در آن زمان که به راه افتاد مسئله بنیانگذارانش این بود که جوان‌هایی را که استعداد دارند تشویق و ترغیب بکنند و بزرگان نواحی بیایند و اینها را ببینند و برایشان الگو قرار بدهند و در جایگاه داور از آنها بهره ببرند و مسائلی از این دست که در عمل اتفاقات به شکل دیگری رقم خورد. اینها توانستند تا شش دوره جشنواره موسیقی نواحی را برگزار کنند منتها مشکلی که از بنیان وجود داشت این بود که به دلیل اینکه در تمام دوره‌هایی که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی داشتیم و یک اداره تحت این عنوان داشتیم هیچ موقع آنها به صورت پشتیبانی کننده جدی از این جشنواره و سایر جشنواره‌ها وارد نشدند. پشتیبانی کننده یعنی وقتی که یک جشنواره برگزار می‌شود بنشینند و آسیب‌ها و بروندادها و نتایجش را احصا و مورد بررسی قرار دهند تا دوره‌های بعدی دیگر شاهد آن مسائل نباشیم و جشنواره بهتر از قبل برگزار شود، موضوعی که متأسفانه در عمل اتفاق نیفتاد. در نتیجه اتفاق‌هایی که باید به صورت شایسته در رده خودش رقم می‌خورد شکل نگرفت ولی با همه اینها توانست تحرک خوبی در بین جوانان ایجاد کند. یکی از ایرادهایی که خود من به آن داشتم این بود که اینها تعدادی از جوانان را دعوت می‌کردند و اجازه می‌دادند که او از بین کل مقام‌های موسیقایی یک استان یا بخش یک مقام را اجرا کند، اگر آن را خوب اجرا می‌کرد به او عنوان برتر اطلاق می‌شد! اصلاً این نوع دسته‌بندی اشتباه بود چون حتی اگر قرار بود به آنها برای آن اجرا مدرکی چیزی بدهند مثلاً باید در آن قید می‌شد که این فرد در نواختن دوتار به خاطر درست نواختن به عنوان مثال مقام نوایی مقام برتر را کسب کرده نه در اجرای موسیقی آن ناحیه یا منطقه. چون موسیقی یک منطقه از اقوام ما به این محدود نمی‌شود و هر کدام اینها برای خودشان یک فرهنگ‌نامه موسیقی دارند. مشکل اینجا ایجاد می‌شد که آن جوان وقتی در نواختن یک مقام از موسیقی ناحیه و منطقه خودش حائز رتبه برتر می‌شد وقتی به شهر خودش برمی‌گشت دیگر آن استاد موسیقی که به او آموزش داده و در همه مقام‌های موسیقایی منطقه تسلط دارد را قبول نداشت چون رتبه برتر کشور را کسب کرده بود! وقتی از همان فرد برتر می‌خواهی که مثلاً یک مقام دیگر از موسیقی منطقه‌اش را اجرا کند می‌گوید بلد نیستم! این مسئله‌ای بود که خود من شاهد بروز آن بودم. به دلیل برخورد بد وزارت ارشاد با آقایان اردلان، درویشی و ساسان فاطمی که بنیانگذاران موسیقی نواحی بودند و نتوانستند حمایت درستی که لازم بود تا بر اساس آن کارهای اساسی شکل بدهند (بر اساس اساسنامه اولیه‌ای که نوشته شده بود) را رقم بزنند از جشنواره جدا شدند. بعد از آن جشنواره چند دوره‌ای توسط آقای نعیمایی برگزار شد و در این مرحله نسبت به قبل تغییر مثبتی که ایجاد نشد هیچ بلکه عیب بزرگی هم پیدا کرد. مشکل این بود که خیلی از هنرمندان موسیقی نواحی صرفاً جشنواره‌رو شده بودند یعنی در جشنواره امسال و سال آینده و سال‌های بعد و بعدتر مدام به صورت پای ثابت حضور داشتند و پنج، شش سالی جشنواره تقریباً با همین افراد برگزار می‌شد. در مرحله بعد حدود شش سال جشنواره تعطیل شد! بعد که دوباره شروع شد بازهم آقای نعیمایی آمدند منتها مشکلاتی که از قبل وجود داشت همچنان پابرجا بود.

یعنی مشکلاتی به غیر از جشنواره‌رو کردن برخی هنرمندان موسیقی نواحی و مسئله اعطای مدرک به افراد برتر؟

بله. به طور مثال هیچ‌وقت ویدئو، نوار یا کتاب و سندی از اجراها و اتفاقات دوره‌های مختلف جشنواره نواحی منتشر نشد! وقتی انتظارمان این است که موسیقی خودمان ارتقا پیدا کند چرا هیچ گزارش یا صوت و تصویری از اجراهای شرکت‌کنندگان وجود ندارد که باعث ایجاد انگیزه در آنها شود تا برای موسیقی نواحی و ارتقای آن تلاش کنند؟! در واقع بعد از جشنواره به حال خود رها می‌شدند و هیچ پیگیری نسبت به آموزش و رشد آنها صورت نمی‌گرفت. این باعث می‌شود تا هیچ اتفاق مثبتی در لایه‌های اجتماعی و مردم نسبت به موسیقی نواحی شکل نگیرد تا چه رسد به بحث ارتقای آن و محافظت از داشته‌های فرهنگی و هنری اقوام رنگارنگ ایرانی. نکته و مشکل دیگر جشنواره موسیقی نواحی نحوه اطلاع‌رسانی و ثبت نام شرکت‌کنندگان است هرچند هنوز از تعداد گروه‌ها و افراد شرکت‌کننده در جشنواره (تا الان که صحبت می‌کنیم) خبری منتشر نشده اما قطعاً تعداد کسانی که پشت در جشنواره مانده‌اند چند برابر شرکت‌کنندگان در آن است. البته این ممکن است به دلیل محدودیت‌های مکانی یا بحث‌هایی که در مورد لزوم اجرای دستورالعمل‌های کرونایی وجود دارد اتفاق افتاده باشد اما قطعاً بخشی از این افراد کسانی هستند که با نحوه ثبت و حضور در جشنواره مشکل داشتند.

چه مشکلی؟

بخشی از این افراد یا بی‌خبر بوده‌اند یا به دلیل اینکه اعلام کرده‌اند که مثلاً در فلان سایت ثبت نام کنید اساساً وقت و حوصله طی کردن چنین فرآیندی را نداشته باشند.

منظورتان این است که به غیر از مشکلاتی مثل انحراف از اساسنامه اولیه، مدیریت سلیقه‌ای افراد در جشنواره و نیز رها کردن برگزیدگان دوره‌های مختلف شیوه شکلی برگزاری جشنواره و ثبت نام شرکت‌کنندگان در آن باعث شده تا دامنه و حوزه اثرگذاری جشنواره موسیقی نواحی بسیار کم شود؟

بله. اصلاً برخی از افراد وقتی شرایط را می‌فهمند علاقه‌ای به شرکت در جشنواره پیدا نمی‌کنند. اگر قرار است افراد درجه یک موسیقی نواحی کشور به جشنواره بیایند خب این افراد بالاخره دارای یک شأن و شخصیتی هستند و وزارت ارشاد نباید به صورت سرسری به قضیه نگاه کند و از آنجا که این وزارتخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است وظیفه‌اش حراست از فرهنگ و حمایت از هنرمند است. متأسفانه شعارش داده می‌شود اما در عمل چیز دیگری اتفاق می‌افتد.

در این مورد مثال و نمونه قابل ذکری در ذهن‌تان وجود دارد؟

فرض کنید کسانی که در فراخوان شرکت کرده‌اند و می‌خواهند به جشنواره بروند به آنها اعلام می‌کنند که خودشان را با اتوبوس یا قطار به کرمان (شهر محل برگزاری جشنواره موسیقی نواحی) برسانند. شما تصور کنید شرکت‌کننده‌ای که قرار است از آذربایجان یا اردبیل و کردستان با اتوبوس یا قطار به کرمان برود چند ساعت باید در راه باشد؟! حالا اگر این هنرمند سن و سالی هم داشته باشد چه اتفاقی برایش می‌افتد؟ چرا برای این افراد بلیت هواپیما نمی‌گیرند؟ ممکن است اتفاقات ناخوشایندی برای هنرمندان بیفتد. سال گذشته برای گروه نوازندگان شاهسون‌های شرکت‌کننده از استان قم اتفاقی افتاد و آقای علی حسینی که یکی از فعالان قدیمی موسیقی نواحی در قم است وقتی که می‌خواست با ماشین شخصی‌اش به کرمان برود دو نفر دیگر از هم‌استانی‌هایش را که می‌خواستند برای اجرا به جشنواره بروند همراه خودش برد که در مسیر بازگشت تصادف کردند. نکته اینجاست که وزارت ارشاد هم نمی‌تواند خسارتی به این‌گونه افراد بدهد.

شما به اشکالات شکلی و فرمی جشنواره اشاراتی داشتی لطفاً در رابطه با موضوعات محتوایی هم اگر نکته‌ای هست بفرمایید.

بحث محتوا به این سادگی‌ها نیست. اولاً این جوانانی که به جشنواره می‌آیند باید دسته‌بندی شوند. الان یک خلط مبحثی هم شده و آن اینکه از یک طرف جشنواره موسیقی جوان برگزار می‌کند و داور موسیقی نواحی را هم می‌برند و آنجا داوری می‌کند. از طرفی بخشی از همان جوان‌ها در جشنواره موسیقی نواحی هم حضور دارند، خب این غلط است! اگر قرار است جوانان در جشنواره موسیقی جوانان داوری شوند خب جشنواره موسیقی نواحی چرا برگزار می‌شود؟! اگر قرار است یک چنین چیزی اجرا شود چرا آن را به عنوان یک بخش از جشنواره موسیقی نواحی در دل جشنواره قرار نمی‌دهند؟ جشنواره موسیقی نواحی اصلش بر پایه این بوده که محلی برای پرورش و رشد جوانان و نوجوانان باشد. الان هم برای برگزاری جشنواره جوان که موسیقی نواحی در آن هم وجود دارد هزینه می‌کنیم و هم به صورت مستقل برای جشنواره موسیقی نواحی! برگزاری جشنواره موسیقی نواحی با این سبک و سیاق در حکم بادکنکی است که وقتی ما آن را باد می‌کنیم خیلی بزرگ می‌شود اما داخل آن به جز هوا هیچ چیز وجود ندارد و اگر بترکد همه چیز از دست می‌رود! یکی از دلایل آن مدارکی است که به همه شرکت‌کنندگان در آن صرف‌نظر از کسب رتبه و صرفاً به دلیل حضورشان در جشنواره داده می‌شود و مشخص است که این اقدام هیچ کمکی به رشد و اعتلای موسیقی نواحی نخواهد کرد. نکته دیگر هزینه‌های گزافی است که نه برای شرکت‌کننده و برگزیدگان بلکه برای هزینه‌های جاری برگزاری آن صورت می‌گیرد. در خوشبینانه‌ترین حالت یکی دو میلیون به گروه یا نفرات برتر می‌دهند و جمعاً شاید رقم ناچیزی از بودجه جشنواره به جوایز تعلق می‌گیرد و مابقی آن که در حدود دو تا سه برابر آن است صرف کارها و اقدامات دیگر جشنواره می‌شود. آن هزینه‌هاست که در حال هدر رفتن است که نتیجه آن صرفاً ارائه یک آمار و رقم است نه پرداخت جوایز یا هزینه رفت و آمد هنرمندان به جشنواره. ممکن است خیلی‌ها دوست نداشته باشند این حرف‌های من را بشنوند اما من مجدداً می‌گویم اگر وزارت ارشاد فکر می‌کند با این شیوه برگزاری چیزی عاید موسیقی نواحی کشور می‌شود یا باعث ارتقای آن می‌گردد مطمئن باشید هرگز اتفاق نمی‌افتد.

این روزها شاهد تغییراتی در رأس مدیریتی وزارت ارشاد و سازمان صدا و سیما هستیم. پیشنهاد شما به این دستگاه مهم و اثرگذار فرهنگی کشور چیست؟

اگر با هر کسی صحبت کنیم بلافاصله می‌گوید چرا جشنواره موسیقی را از تلویزیون نشان نمی‌دهند؟ چرا سازها را نمایش نمی‌دهند و حرف‌هایی از این دست؛ من به شما عرض می‌کنم که اگر همین الان صدا و سیما بدون هیچ محدودیتی جشنواره موسیقی را هم پخش زنده نمایش بدهد در اصل ماجرا تغییری صورت نمی‌گیرد و همه اینها حرف است! چرا؟ چون هیچ حمایت جدی و مستمری از موسیقی صورت نمی‌گیرد و همه چیز صرفاً مختص همان چند روزی است که جشنواره برگزار می‌شود و با اتمام جشنواره همه چیز به فراموشی سپرده می‌شود تا سال آینده! این اتفاق نیازمند حمایت و پشتیبانی است چرا برگزیدگان هر دوره به حال خود رها می‌شوند و کسی پیگیر تقویت و آموزش آنها نیست؟! وزارت ارشاد و دستگاه‌های متولی و مسئول باید ضمن حمایت و پشتیبانی از این افراد برگزیده با لحاظ کردن نگاهی استراتژیک، این افراد را به چشم ذخایر مهم موسیقایی کشور ببینند. چرا به جای اعزام این افراد و گروه‌های برگزیده به جشنواره‌ها و رویدادهای خارجی گروه‌های درجه چندم اعزام می‌شوند که بروند و با اجراهای ضعیف آبروی موسیقی ایرانی را ببرند؟!

فکر می‌کنید رسانه ملی می‌تواند در این زمینه کمک مؤثری بکند؟

صدا و سیما یک بخشی دارد به عنوان امور استان‌ها که تولیدات در آنجا بر اساس یک دستورالعمل مشخص عمل می‌کنند یعنی یک بخشی داریم به اسم برنامه و بودجه. آنها به واحد موسیقی امور استان‌های سازمان اعلام می‌کنند که مثلاً مرکز چهارمحال و بختیاری در طول سال باید ۱۰ اثر تولید بکند و از این ۱۰ اثر باید تعداد مشخصی از آن به صورت ارکسترال باشد، دو تای آن تلفیقی باشد و سه تای آن نواحی باشد و دو تای دیگر ردیف و دستگاهی! خب این بیچاره‌ها چه بکنند؟! در واقع با این نوع رویکردها دست‌شان بسته است. مسئله بسیار مهم دیگری که کمتر به آن توجه می‌شود بحث تولید موسیقی کودک است که به دلیل عمل به همان دستورالعمل کار خاصی صورت نمی‌گیرد و باعث شده تا از این نظر سازمان لنگ بزند. ما در موسیقی کودک چون تولیدات به زبان استانی‌مان خیلی خیلی کم است و زبان‌های محلی خیلی جدی گرفته نمی‌شوند نتیجه‌اش تأسفبار است. مثلاً بچه‌های ترکمن، بچه‌های کرد، بچه‌های لر، بچه‌های سیستانی و بلوچ با زبان‌های محلی خودشان ترانه می‌خواهند باید برای اینها موسیقی آموزشی خوب و باکیفیت تولید شود. من الان دارم نگاه می‌کنم که شبکه‌های پویا و نهال که دو تا شبکه سراسری کشور و مختص کودک و نوجوان هستند دارند با موسیقی‌های رپ و راک و ترنس ترانه‌های کودک تحویل مردم و خانواده‌ها می‌دهند! برای همین عرض می‌کنم که باید رویه‌ها و بنیادها را درست کنیم. با این اتفاقاتی که در حال افتادن است چطور می‌توانیم توقع داشته باشیم کودکی که با موسیقی‌های رپ و راک بزرگ شده به سمت موسیقی نواحی کشورمان میل و اشتیاق پیدا کند چه برسد به اینکه برای آموزش و یادگیری و حتی تولید محتوا سراغ آن برود! اگر صدا و سیما می‌خواهد در این زمینه کاری انجام دهد باید یک برنامه تشویقی خوب و قابل اعتنا مثل همین برنامه عصر جدید برگزار کند تا با ایجاد حس و حال انگیزشی در بین بچه‌های کشورمان در رابطه با توجه به موسیقی نواحی و منطقه خودشان بتوانیم نسبت به آینده موسیقی نواحی خوشبین و امیدوار باشیم.

ظاهراً قرار بود در رابطه با موسیقی نواحی برنامه تلویزیونی هم راه بیفتد؟

بله قرار بود! حتی تهیه‌کننده کار هم تعیین شد و ایشان دو بار با بنده تماس هم گرفت. گفتند که به دنبال انجام چنین کاری هستند اما بعد از تماس دوم دیگر خبری از ایشان نشد که نشد! یک برنامه چالشی خیلی خوب است که طرح خوبی هم دارد ولی هنوز خبری از تهیه‌کننده آن نیست.

به جشنواره موسیقی بازگردیم، پیشنهاد شما به وزارت ارشاد برای تقویت و ارتقای موسیقی نواحی و جشنواره آن چیست؟

وزارت ارشاد باید هر استانی را موظف کند که هر سال در یک موقعیت خاص (حالا هر روزی که شد ولو به صورت فصلی باشد) قبل از برگزاری جشنواره موسیقی فجر یک جشنواره موسیقی در استان خودشان برگزار کنند. این اتفاق هم باعث رونق موسیقی محلی آن منطقه و هم ایجاد کسب و کارهایی می‌شود. برگزاری جشنواره به صورت استانی در کنار این محسنات با هزینه کمتری برگزار می‌گردد و قطعاً بعد از دو سه دوره برگزاری شاهد رشد چشمگیر کیفیت و کمیت موسیقی آن ناحیه و منطقه خواهیم بود. سپس نفرات برگزیده هر رشته در آن استان‌ها به مرکز معرفی شوند تا در قالب جشنواره‌های غیررقابتی و صرفاً رویدادگونه به اجرا بپردازند. مطمئن باشید میزان پیشرفت برای مدیران هنری قابل تصور نخواهد بود. مجدداً عرض می‌کنم که برگزاری جشنواره موسیقی نواحی به شکل کنونی هیچ بازخوردی در جامعه ندارد و بالطبع در بالا بردن کیفیت و کمیت آن اثرگذاری نخواهد داشت.

> شبکه‌های پویا و نهال که دو تا شبکه سراسری کشور و مختص کودک و نوجوان هستند دارند با موسیقی‌های رپ و راک و ترنس ترانه‌های کودک تحویل مردم و خانواده‌ها می‌دهند!

گفت‌وگو

گفت‌وگوی «جوان» با طلبه فعال رسانه‌ای در عرصه بین‌الملل

رایزن‌های فرهنگی ایران روحیه کارمندی دارند!

حسن صدرایی‌عارف سردبیر خبرگزاری حوزه، سال‌هاست که به دلیل دغدغه‌ای که دارد همزمان با طلبگی و فعالیت حوزوی در عرصه رسانه‌های بین‌المللی هم فعالیت داشته است. «جوان» در رابطه با رسالت رسانه‌ای با وی گفت‌وگو کرده است.

■■■

شما هم درس طلبگی خواندید و طلبه هستید و هم فعال رسانه و روزنامه‌نگار، طلبه‌ها معمولاً خیلی احتیاط می‌کنند که مثلاً با مطلبی یا خبری آبروی کسی نرود یا کسی بیخود بزرگ نشود. این در کار رسانه‌ای مانع شما نمی‌شود؟

رسانه جایگاه مفصل دینی دارد. امر به معروف و نهی از منکر یکی از این مسائل است. فعالیت رسانه‌ای در حوزه و دین امر ضروری است، لذا هیچ وقت این دو مانع هم نیستند. اتفاقاً جاهایی از حیث رسانه‌ای بودن نقد می‌شویم که ناشی از نبود اخلاق دینی در کار رسانه‌ای است به همین خاطر ما باید ملتزم رسانه باشیم تا فعالیت‌های‌مان مؤثر باشد.

به نظر شما کدام یک از مراجع بیشتر با رسانه‌ها همکاری می‌کنند و رسانه را می‌شناسند؟

بعضی از بزرگان ما ممکن است اعتمادی کامل به رسانه‌ها نداشته باشند، به دلیل تجربیات تلخی که داشتند یا برخی به دلیل ملاحظات اخلاقی علاقه‌ای به رسانه‌ای شدن ندارند، البته برخی هم خودشان میداندار این فضا هستند مانند آیت‌الله مکام شیرازی که با رسانه ارتباط زیادی دارند. ایشان حتی به همین دلیل هم بانی ایجاد یک شبکه ماهواره‌ای برای مقابله با فعالیت‌های شدید رسانه‌ای وهابیون شدند که از شبکه‌های موفق در این زمینه است.

خاطره رسانه‌ای خاصی از علما دارید؟

پیش از انقلاب جمعی از علمای نیک‌اندیش و زمان‌شناس مثل شهید بهشتی و امام موسی صدر نشریه مکتب اسلام را راه‌اندازی می‌کنند که کار مطبوعاتی پرغوغایی بود. در واقع علمای اسلام از زمان‌های دور واقف به این موضوع بوده‌اند. خودم از نزدیک دیدم که خیلی از علمای ما واقف به رسانه هستند و برخی از بداخلاقی‌های رسانه‌ای دلخور بوده‌اند. مثلاً یک بار آقای مظاهری گلایه داشت که بعضی روزنامه‌ها فحش‌نامه شده‌اند.

علمای حوزه روزنامه‌ها را بررسی می‌کنند؟

بله؛ آقای مظاهری می‌گفتند من هر روز روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها را می‌بینم و مطالعه می‌کنم. خود حضرت آقا چندین بار گفتند که سرمقاله‌ها را می‌خوانم. خاطرم هست که چندبار در جلسه‌های آقای نوری همدانی بودم، تذکر به فلان برنامه رسانه داشتند که این مسئله نشان از حساسیت و توجه بزرگان دینی دارد.

از اتفاقاتی که در حوزه رسانه از سوی علمای دین رخ داد بحث نامه رهبری به جوانان غربی بود بازخوردهای آن را چطور دیدید؟

بازخورد نامه ایشان در زمان خود دو شکل داشت؛ یکی رسمی و دیگری مردمی. به نظر من نامه حضرت آقا آن‌قدر که به شکل مردمی و غیررسمی نفوذ پیدا کرد به شکل رسمی به آن توجه نشد.

فکر می‌کنید دلیل این کم‌لطفی چه بود؟

احساس می‌کنم دیپلماسی فرهنگی ما خیلی قوی‌تر از اینها باید باشد. برخی از نهادهای فرهنگی ما در خارج از کشور روحیه کارمندی در آنها بیشتر غلبه دارد تا روحیه جهادی و انقلابی. لذا نیازمند تحرک بیشتری هستند البته برخی خیلی قوی کار می‌کنند و اثرگذار هستند اما در نگاه کلان دیپلماسی ما با روحیه جهادی و انقلابی مقداری فاصله دارد و توزیع و تبیین و ابلاغ نامه آقا از حیث رسمی خیلی ارسال نشد اما از حیث مردمی خیلی اتفاقات خوبی رقم خورد و شخصاً از بعضی شخصیت‌هایی که در لندن هستند سؤال کردم که گفتند نامه بازخوردهای خوبی در دانشگاه‌ها داشته است. یعنی خیزشی آرام و مردمی در هر دو مرحله ایجاد شد و چون مردمی است همچنان هم ادامه دارد.

از معضلاتی که وجود دارد بحث فرقه‌هاست. به نظر شما رسانه‌های دینی در این باره چه وظایفی دارند؟

باید اعتراف کنیم رسانه‌های ما هنوز به بالندگی لازم برای تأثیرگذاری در سطح منطقه نرسیده‌اند و باید به این سمت برویم که نه فقط در داخل، بلکه در خارج از کشور مرجع فکری برای رسانه‌های جهان باشیم و زیبایی‌های مکتب اهل بیت(ع) را به نمایش بگذاریم. در عین حال هر اتفاقی که قصد دارد مانع این مسئله شود را به زیبایی با همان رویکرد امر به معروف و نهی از منکر عمل کنیم و نهادهای مرتبط را به نقد بکشیم و مطالبه‌گری کنیم اما خروجی آن ارائه زیبایی‌ها و حقایق مکتب اهل بیت(ع) باشد تا مخاطب سره از ناسره را تشخیص دهد و ما در این زمینه خیلی راه نرفته داریم.

شما چند کتاب هم تألیف کردید. یکی به طور مفصل درباره آیت‌الله تسخیری بود و اسم آن را هم به نام ایشان با عنوان رسانه‌ای برای جمهوری اسلامی گذاشته بودید، چرا چنین اسمی را انتخاب کردید؟

به مناسبت بزرگداشت آیت‌الله تسخیری مقاله‌ای را نوشتم که برای آن هم حدود ۲۰۰ سند مطبوعاتی در بازه زمانی ۳۰ ساله مطالعه کرده بودم و به این نتیجه رسیدم که آیت‌الله تسخیری خودشان به تنهایی یک رسانه هستند. با باوری که داشتم در مقاله عناوین مختلف را توضیح دادم و گفتم رسانه چند ویژگی دارد و همه آنها را آیت‌الله تسخیری دارد که در واقع زیبایی‌های مکتب اهل بیت(ع) و جمهوری اسلامی را که ایشان در گفت‌وگو با رسانه‌های مختلف داشتند را تبیین کرده است.

این تبیین چه مختصاتی دارد؟

ایشان در صدها کنفرانس شرکت کرده بودند که مثل کنفرانس‌های داخل ایران نیست. در این محافل مخالفان انقلاب با انواع شیطنت‌های رسانه‌ای حضور پررنگی هم دارند. من تمام مصاحبه‌های ایشان را مطالعه می‌کردم. می‌دیدم در نوع پاسخگویی به سؤالات بهانه‌ای به آنها نمی‌داد بلکه زیبا از مبانی جمهوری اسلامی دفاع می‌کردند که هنر آشنایی ایشان با رسانه بود.